

۱۰ جمله برگزیده از رهبر انقلاب درباره شهید حاج قاسم سلیمانی

رفیق عزیز خوشبخت ما



رهبر حکیم انقلاب در نقاط مختلفی از حاج قاسم اسم آورده اند؛ گاهی از رشادت هایش گفته اند و گاهی از تواضع اش، گاهی از شجاعت و تدبیرش و گاهی سیاستمداری فراجراحی اش. ۱۰ جمله برگزیده از حضرت آیت... العظمی خامنه‌ای درباره سردار بزرگ و پرافتخار اسلام شهید سپهبد قاسم سلیمانی را با یکدیگر مرور می کنیم:

- خود شما هم که آقای سلیمانی باشید، در نظر ما شهید زنده اید. ۷۶/۵/۱۳
- برادر بسیار عزیزمان آقای سلیمانی، بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصا لله و مجاهدت کرده اند. ان شاء... خدای متعال زندگی ایشان را با سعادت و عاقبت ایشان را با شهادت قرار بدهد. ۹۷/۱۲/۱۹
- شما با متلاشی ساختن توده سرطانی و مهلک داعش، نه فقط به کشور های منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه ملت ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید. ۹۶/۸/۳۰
- زحمات و خدمات ارز شمند سردار سلیمانی به اسلام و مسلمین،

- بی شک ذخیره ارز شمندی در دیوان عدل الهی است. ۹۲/۶/۱۹
- سال ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. ۹۸/۱۰/۱۳
- سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه بر جسته ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی وقفه او در همه این سالیان بود. ۹۸/۱۰/۱۳
- بارفتن سردار شهید قاسم سلیمانی به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او آلودند. ۹۸/۱۰/۱۳
- شهید سلیمانی چهره بین المللی مقاومت است و همه دلبستان مقاومت خون خواه اویند. ۹۸/۱۰/۱۳
- جهاد سردار شهید قاسم سلیمانی جهاد بزرگی بود و خداوند نیز شهادت او را شهادت بزرگی قرار داد. حاج قاسم باید همین جور به شهادت می رسید. خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود. ۹۸/۱۰/۱۳
- این روز ها خیلی در باره این بزرگوار، این رفیق خوب و عزیز و شجاع ما و خوشبخت ما که رفت به ملکوت اعلی پیوست، صحبت شده و حرف های درستی هم گفته شده آن چه در خصوصیات او گفته اند. ۹۸/۱۰/۱۸

چرا «مکتب»، چرا «یوم ا...»؟

دکتر حامد رحیم پور

حاج قاسم سلیمانی، یک مکتب است. روز شهادت او نیز یوم ا... است. زمانی این جمله، زبان به زبان پیچید که رهبر حکیم انقلاب ۲۷ دی ۹۸ و در خطبه های نماز جمعه تهران فرمودند: «ما به حاج قاسم سلیمانی، شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم، به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم... آن روزی که ده ها میلیون در ایران در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابان ها آمدند و بزرگ ترین تجمع جهان را شکل دادند یکی از ایام ا... است». حالا حاج قاسم در مقام یاری کننده و نصرت دهنده دین، منش، سلوک و طرز تفکرش به یک مکتب جاودانه و یک مدرسه درس آموز تبدیل شده است. جالب این جاست که در تحلیل او هر کس نیز از منظر خود روایت می کند؛ یکی او را یک رزمنده بزرگ می نامد، یکی یک استراتژیست برتر، برخی حتی سیاستمدار با کبیاست، یکی می گوید او یک دیپلمات حرفه ای بود، یکی او را عارف روشن ضمیر می خواند و... حاج قاسم اما همه این ها بود و از همه این ها بالاتر بود؛ آن گونه که هیچ کدام از این ها نمی توانست حق او را ادا کند. او بیش از هر چیز با عبور از چالش نظری که مقاومت منطقه ای را در مقابل ناسیونالیسم ایرانی تعبیر می کرد، نشان داد که سر نوشت ایران و مقاومت دو پدیده منفک از یکدیگر نیست، نه ایران قوی در سایه دست کشیدن از مقاومت به دست می آید و نه محور مقاومت می تواند با ایرانی ضعیف به حرکت خود ادامه دهد. بدین دلیل است که حاج قاسم راه جد می توان مدافع واقعی ایران دانست. ایرانی که امروز پرچمدار حمایت از مظلومان و مقابله با استکبار و ظلم در جهان است. حاج قاسم نماد ارزش ها و صفاتی چون اخلاص، از خود گذشتن، شجاعت، ایمان، مردم مداری و... بود که خیلی از آن ها امروز با نام او تعریف می شوند و ادامه راه و مکتب او نه تنها کیان و سر بلندی ایران را بیمه می کند که حتی به جرئت می توان گفت این مکتب می تواند خود باوری را در امت اسلامی نیز نهادینه کند. حاج قاسم در بخشی از وصیت نامه خود پس از آن که ایران را به عنوان واقعیتهای قرار دادی در بستر جغرافیایی به «قرارگاه حسین بن علی (ع)» که مفهومی فراملی دارد، توصیف می کند، سعی خود را بر یگانگی بخشی این دو در چار چوب آینده ای مشترک معطوف می سازد. در واقع، او مقاومت را با تدبیر جلومی برد و با تدبیر نهضت های کوچک آزادی بخش را به یک جبهه بزرگ به نام مقاومت تبدیل کرد؛ جبهه ای که حالا متشکل از جهاد و حماس و فاطمیون و زینبیون و انصار ا... و حزب ا... و... یک ارتش بین الملل اسلامی است. در عین حال، بارها در سخنرانی هایش گفته بود جانم فدای ایران است و این را به چشم نشان داده بود. جالب تر آن که در مکتب حاج قاسم، ارزش ها نیز انحصار زدایی می شود. برای همین زمانی که شهادت حاج قاسم بستر یک غم ملی را فراهم کرد نام هایی در زیر پرچم این مکتب جمع شدند که شاید هیچ گاه امکان جمع شدن آن ها زیر یک سقف متصور نبود، این ظرفیت اجماع سازی عجیب از مهم ترین سرمایه های نمادین مکتب شهید سلیمانی است، سرمایه ای که از لحظه شهادت حاج قاسم شکل گرفت و در روز تشییع او به اوج رسید و اصلا شاید به این دلیل است که آن روز را رهبری انقلاب یوم ا... نامید، روزی که میلیون ها انسان را فراغ از گرایش های مذهبی، سیاسی و اجتماعی و ورا ی تفاوت های نژادی و زبانی و جغرافیایی، آن هم پس از حوادث تلخ آبان ماه گرد هم آورد و البته این که شهادت حاج قاسم نیز این گونه به تحولی عظیم تبدیل و موجب باز شدن چشم های غبار گرفته شد، پاداشی است که خدای متعال به پاس تلاش ها و مجاهدت های مخلصانه اش به وی هدیه کرده است.

مکتب سلیمانی

دکتر سید علی علوی

درباره حاج قاسم از منظر های مختلف می شود حرف زد اما آن چه رو به آینده است. پرداختن به این عبارت توصیفی رهبر انقلاب درباره حاج قاسم است که «ما در صورتی اندازه و قیمت این حوادث را می فهمیم که حاج قاسم سلیمانی و به ابومهدی شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم. به آن ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم، آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد.» استاد شهید مطهری در تعریف مکتب می گوید: «یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش ها، باید ها و نبایدها، خوب ها و بدها، هدف ها و وسیله ها، نیاز ها و دردها و درمان ها، مسئولیت ها و تکلیف ها مشخص است و منبع الهام تکلیف ها و مسئولیت ها برای همه افراد است» به واقع حاج قاسم را که مرور می کنیم مصادیق تک این عبارت را می شود در او یافت. رفتار و گفتار حاج قاسم جامع و هماهنگ و منسجم بود کار یکتاوری و تک بعدی و ناقص نبود هدف اصلی اش تأمین سعادت همگانی بود مرز شیعه و سنی و مارونی و ایزدی و مسیحی و کلیمی نمی شناخت. در منش و تفکر حاج قاسم باید ها و نبایدها، هدف ها و وسیله ها، نیاز ها و دردها و درمان ها، مسئولیت ها و تکلیف ها مشخص است برای جاذبه، باید و نباید قربانی نمی کرد. دردهای جامع و امتش را از افتراق تا بی عملی می شناخت و نسخه در منش را از اعتماد به مردم برای مردم کار کردن تا امامت کردن در مسئولیت ها در میدان عمل نشان داد. او منبع الهام تکلیف ها و مسئولیت ها بود. منبع تکلیف برای جوانان منطقه از هند و پاکستان و افغانستان تا عراق و یمن و سوریه بود. حاج قاسم مرد میدان عمل بود به قول خودش امامت می کرد هدف را نشان نمی داد و نمی گفت بروید به سمت هدف می رفت و می گفت بیا بیاید از مقاومت و نبرد با رژیم صهیونیستی در لبنان تا خط مقدم جنگ با داعش در عراق و سوریه. حاج قاسم مرد عمل بود از زلزله سریل ذهاب تا سیل خوزستان، گفتار درمانی نمی کرد. وقتی خیلی ها با حرف ولایت مداری می کردند او با منش و رفتارش از ولایت مداری دفاع می کرد. حاج قاسم جامعه را تکه تکه نمی کرد به بچه حزب الهی ها می گفت: «این که در جامعه مدام بگوییم او بی حجاب و این با حجاب است یا اصلاح طلب و اصولگر است، چه کسی می ماند؟ این ها همه مردم ما هستند. آیا همه بچه های شما متدین اند؟ آیا همه مثل هم هستند؟ نه. اما پدر، همه این ها را جذب می کند و جامعه هم خانواده شماست.» آری حاج قاسم همه جامعه را خانواده خود می دانست. برای سعادت مردم وطن اش شب و روز نمی شناخت. برای عزت انسان مرز نمی شناخت. حاج قاسم به عنوان مسئول، تر از انقلاب را نشان داد که مسئول تر از انقلاب اسلامی مردم میدان است کسی که عملش بیش از حرفش است و صادق الوعد است. حاج قاسم پس از سال ها مجاهدت، پس از شکست پروژه خاور میانه جدید آمریکا پس از شکست آمریکا در عراق، پس از شکست اسرائیل در جنگ های جنوب لبنان، پس از شکست اسرائیل در جنگ های غزه، پس از شکست آمریکا در افغانستان، پس از شکست ائتلاف عربی-عبری-آمریکایی در سوریه، پس از شکست ائتلاف عربستان در یمن پس از شکل گیری جبهه مقاومت در لبنان و عراق و سوریه و افغانستان و پاکستان و بحرین و یمن، پس از پایان دادن به داعش، به دست خبیث ترین افراد به آرزوی دیرینه اش رسید. شهادتی که مردم ایران را بار دیگر زیر پیکر تکه تکه شده اش متحد کرد. شهادتی که انتقام آن اخراج آمریکا از منطقه خواهد بود. شهادتی که او را برای جهان اسلام تبدیل به قهرمان امت کرد، قهرمانی که آرزویش آزادی قدس بود؛ شهادتی که راه آزادی قدس را هموار کرد.